

A Comparative Study of the Nature and Effects of Relative Causes to Eliminate or Hinder Criminal Responsibility in Iranian and Egyptian Law

Ahmad Mortazi
Leyla Daei

Abstract

the mental and internal states that, despite the occurrence of the crime, deprive the subject of criminal responsibility and prevent him from being punished, are called causes of criminal responsibility that are both absolute and relative. In Egyptian criminal law, the above causes are referred to as criminal liability barriers and eagle-breakers. Relative causes of criminal liability are subject to certain circumstances and circumstances in which the criminal liability is simply eliminated due to the deterioration of the will. In most of the above reasons, the lack of responsibility can be due to good will and goodwill. He knew. The purpose of goodwill is to commit honorable social, humane and ethically motivated criminal activity. Sleepiness and anesthesia, involuntary drunkenness and anxiety are among the relative causes.

Keywords: Obstacles to liability, Causes of correction, Relative causes, Mistake, Drunkenness



CC BY-NC-SA

بررسی تطبیقی ماهیت و آثار علل نسبی رافع یا مانع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و مصر^۱

احمد مرتضی^۲

لیلا داعی^۳

چکیده

حالات ذهنی و درونی که علی‌رغم وقوع جرم، موجب رفع مسئولیت کیفری از شخص فاعل شده و مانع مجازات وی می‌گردند، علل رافع مسئولیت کیفری نامیده می‌شوند که به دو صورت تام و نسبی می‌باشند. در حقوق کیفری مصر از علل فوق، تحت عنوان موانع مسئولیت کیفری و اسباب رفع عقاب یاد می‌شود. منظور از علل نسبی رافع مسئولیت کیفری، قرار گرفتن شخص تحت شرایط و اوضاع و احوال خاصی است که صرفاً در آن حالت، به دلیل زوال اراده، مسئولیت کیفری منتفی می‌گردد، در غالب علل و اسباب فوق، فقدان مسئولیت را می‌توان ناشی از احسان و حسن نیت دانست. منظور از حسن نیت، ارتکاب عمل مجرمانه بانگیزه شرافتمندانه اجتماعی، انسانی و اخلاقی، می‌باشد، پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته و نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که بر اساس حقوق کیفری ایران و مصر، اشتباه، حرکات ناشی از اختلالات خواب و خوابگردی و بیهوشی، مستی غیرارادی و اضطرار، از جمله علل نسبی می‌باشند.

واژگان کلیدی: موانع مسئولیت، علل رافع، علل نسبی، اشتباه، مستی

۱- تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۹/۰۴/۲۵، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

۲- استادیار دانشکده الهیات و علوم و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران؛ نویسنده مسئول
a.mortazi@tabrizu.ac.ir

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

درآمد

برای تحقق هر جرمی، احراز سه عنصر، قانونی، مادی و معنوی از شروط لازم به حساب می‌آید که پس از احراز آن و ثبوت جرم، در بادی امر، مجازات مجرم به ذهن متبادر می‌گردد، لیکن برای نیل به این مرحله از محاکمه، باید میان فعل مادی و حالات روانی فاعل، یک رابطه علت و معلولی وجود داشته باشد؛ یعنی مرتکب جرم دارای چنان اهلیتی باشد که بتوان او را مقصر شناخته و عمل مجرمانه را به وی نسبت داد؛ در این میان ممکن است علی‌رغم وقوع جرم و انتساب آن به مجرم، به دلیل وجود عوامل ذهنی و درونی، گاه به‌طور کامل و در تمامی حالات، به دلیل فقدان ادراک، مسئولیت کیفری زایل گردد، مثل کودکی، جنون، اجبار، اکراه؛ گاهی نیز در اثر قرار گرفتن در شرایط و حالات خاصی چون اشتباه، حرکات ناشی از اختلالات خواب و خواب‌گردی و بیهوشی، مستی و اضطراب، به دلیل فقدان اراده یا زوال آن، مسئولیت کیفری منتفی گردد، هرچند مسئولیت مدنی به قوت خود باقی است، در چنین مواردی قانون‌گذار موظف است با توجه به مقدار جرم مرتکب شده و بررسی‌های لازم در هر مورد، تصمیم عادلانه‌ای را بگیرد تا حق کسی ضایع نگردد.

۱. مفهوم «علل رافع مسئولیت کیفری» و انواع آن

علل رافع مسئولیت کیفری، به اسبابی گفته می‌شود که در شخص مجرم وجود داشته و از عوامل ذهنی و درونی او می‌باشند و با توجه به شرایط و ضوابط خاص قانونی، موجب زوال مسئولیت کیفری می‌گردند. (ساکي، ۱۳۸۸، ص ۲۳۳-۲۳۴) در حقوق کیفری مصر، از علل رافع مسئولیت کیفری، تحت عنوان موانع مسئولیت کیفری و اسباب رفع عقاب یاد می‌شود و از دیدگاه حقوق دانان مصری، منظور از موانع مسئولیت کیفری، علل و اسباب شخصی رافع مسئولیت هستند که به دلیل وجود آن‌ها در شخص، فقط مسئولیت کیفری از خود او زایل می‌گردد و در این حالت، به دلیل فقدان اراده و قدرت تشخیص که از ارکان مسئولیت کیفری است، مرتکب، مجازات نمی‌گردد. (فتحی بهنسی، ۱۴۰۴، ص ۲۱۳؛ نجیب حسنی، ۲۰۰۶، ص ۵۴۱) قانون‌گذار مصر، در دو ماده ۶۱ و ۶۲ قانون مجازات، موانع مسئولیت را عبارت از صغر، جنون یا ناتوانی ذهنی، مستی غیرارادی، اکراه معنوی و حالت ضرورت،

ضرورت، می‌داند. (مصطفی محمد، ۲۰۱۰، ص ۳۵۱) دکتر عوده، حقوقدان مصری، در کتاب التشریع الجنایی خود از عوامل رافع مسئولیت، تحت عنوان «اسباب رفع عقاب» یاد کرده و آن‌ها را عبارت از اکراه، مستی، جنون، صغر سن، می‌داند. (عوده، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۲)

۱-۱. انواع علل رافع مسئولیت کیفری

برای نخستین بار دکتر نور بهاء، در کتاب زمینه حقوق جزای عمومی خود، عوامل رافع مسئولیت را به دو نوع تام و نسبی، تقسیم‌بندی نمود. مطابق حقوق کیفری مصر نیز، علل رافع مسئولیت که از آنها تحت عنوان کلی، موانع مسئولیت کیفری یاد می‌شود، به دو دسته تقسیم‌بندی شده است: الف) برخی از این عوامل که به قدرت تشخیص لطمه می‌زنند، به نحوی که آن را از بین برده یا موجب نقصان آن می‌گردند، عبارت‌اند از صغر سن، جنون، مستی. ب) برخی دیگر، اراده را زایل کرده یا آن را ناقص می‌نمایند. بدین صورت که شخص در حالتی قرار می‌گیرد که حقیقت کارهای خود را نمی‌فهمد و رفتارهای مباح را از رفتارهای ممنوع تشخیص نمی‌دهد؛ مانند، اکراه و حالت ضرورت. (نجیب حسنی، ۲۰۰۶، ص ۵۴۶)

۱-۱-۱. علل تام رافع مسئولیت کیفری

برخی علل، غالباً و به‌طور کامل، مسئولیت کیفری را رفع می‌کنند اما ممکن است همیشه و به‌طور مطلق نیز چنین باشد. عنوان علل تام رافع مسئولیت بیشتر از جهت تمیز و تفکیک مسائل است و در برخوردهای عینی می‌توان در شرایطی، با نوعی مسئولیت تخفیف یافته، مواجه شد. (نوربهاء، ۱۳۸۵، ص ۲۹۷) به بیان دیگر، منظور از علل تام رافع مسئولیت، قرار گرفتن شخص تحت شرایط و اوضاع و احوال خاص و استثنایی می‌باشد، به نحوی که شخص تا زمانی که در آن حالت قرار دارد، همیشه و بدون هیچ‌گونه استثنایی، مسئولیت کیفری ندارد، مثل، جنون، کودکی، اجبار یا اکراه. (باهری - خان داور، ۱۳۹۳، ص ۲۹۳) مثلاً در حقوق ایران و مصر، مجنون چه خواب باشد و چه بیدار، در تمامی حالات خود، به دلیل فقدان ادراک یا نقصان آن، مسئولیت کیفری از وی زایل می‌گردد. (شمس‌الدین، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴).

۱-۲. علل نسبی رافع مسئولیت کیفری

در برخی شرایط، امکان دارد شخص، فاقد اراده بوده و در اثر بیهوشی یا خواب، مرتکب جرمی گردد یا با اراده و میل خود از خویشتن، سلب اراده نماید که مستی، نمونه آن است و یا اصولاً در حکم یا موضوع قانون اشتباه کند و نظر به اینکه در این موارد غالباً با مسئله عدم مسئولیت، با توجه به شرایط و در صورت وجود برخی قیود، مواجه هستیم، لذا این بخش، تحت عنوان علل نسبی رافع مسئولیت، نام‌گذاری گردیده است.

در علل و اسباب نسبی، گاهی شخص مسئولیت کیفری ضعیفی دارد به نحوی که فقط در حالت و در موارد خاصی، مسئولیت کیفری ندارد. مثلاً اگر کسی در اثر حرکات ناشی از خواب‌گردی مرتکب جرمی شد (فقط در آن حالت) فاقد مسئولیت کیفری است؛ اما مجنون چه خواب باشد و چه بیدار، در تمامی حالات به دلیل فقدان اهلیت جزایی، مسئولیت کیفری زایل می‌گردد. (ساک، پیشین، ص ۲۳۳) از این رو، عوامل نسبی را که در شرایط خاصی، رافع مسئولیت کیفری می‌باشند، می‌توان، اشتباه، خواب و بیهوشی، مستی غیرارادی و اضطراب دانست. (بهری-خان‌دآور، پیشین، ص ۲۹۳)

ضمناً یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که بحث نسبی بودن در این موارد نباید موجب اشتباه در برخورد با ماهیت علت‌های رافع مسئولیت شود و انتخاب عنوان فوق، بیشتر به دلیل فایده عملی آن می‌باشد. بنابراین با توجه به اینکه این علت‌ها بسته به شرایط، اوضاع و احوال، به‌طور نسبی رافع مسئولیت کیفری می‌باشند با زوال مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی مرتکب یا مرتکبان را باید از دیدگاه قانون و صراحت متون قانونی و یا طبق قواعد حقوق جزا، بررسی کرده و در هر مورد تصمیم مقتضی با توجه به شرایط اتخاذ نمود. (نوربهاء، پیشین، ص ۳۱۶)

به هر روی، با توجه به تعاریف به‌عمل آمده از سوی حقوق‌دانان راجع به تام و نسبی بودن علل فوق، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در صورت وجود عوامل ذهنی و شخصی، چنانچه نتوان عمل انجام‌یافته‌ای را که در شرایط عادی، جرم و قابل مجازات می‌باشد، به مرتکب آن نسبت داد، مسئولیت کیفری مجرم، گاه در تمامی حالات، به دلیل فقدان ادراک، گاه نیز در حالات خاصی، بسته به شرایط و

اوضاع و احوال به دلیل زوال اراده، زائل می‌گردد.

۲. رابطه علل رافع مسئولیت کیفری با موانع مسئولیت کیفری

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره گردید در حقوق کیفری مصر از اسباب رافع مسئولیت تحت عنوان کلی، موانع مسئولیت کیفری یاد می‌شود. از طرفی، قانون‌گذار ایران، در بخش چهارم از کتاب نخست قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از ماده ۱۴۶ ق.م.ا. تا ماده ۱۵۹ قانون فوق، از مجموع «عوامل رافع مسئولیت کیفری» و «اسباب و علل موجهه جرم»، تحت عنوان موانع مسئولیت کیفری یاد کرده و این در حالی است که عوامل رافع مسئولیت و علل و اسباب موجهه جرم که در باب نهم از قانون جزای مصر از آن با عنوان اسباب اباحه جرم یادشده، به لحاظ ماهیت، متفاوت از یکدیگر می‌باشند. از این رو، این سوال ایجاد می‌شود که شرایط، اوضاع و احوالی که در اثر قرار گرفتن در آن‌ها، شخص، معاف از مسئولیت می‌گردد، بهتر است چه عنوانی بگیرد؟ رافع یا مانع؟

برای رسیدن به پاسخ صحیح باید دانست که عوامل رافع مسئولیت، گاهی مانع مسئولیت و گاهی مانع مجازات، به حساب می‌آیند، اما با علل موجهه جرم تفاوت دارند. عوامل مانع یا رافع مسئولیت کیفری، تأثیری در عنصر قانونی جرم نداشته، بلکه متوجه عنصر روانی آن می‌باشند، زیرا جنبه شخصی داشته و فاقد جنبه موضوعی می‌باشند؛ و تفاوت اساسی آن‌ها با علل موجهه جرم در همین است که در علل موجهه، مسئولیت کیفری نه تنها از خود مجرم، بلکه از تمامی کسانی که با او در این جرم مشارکت داشتند، برداشته می‌شود. همچنین شخصی که مشمول علل موجهه جرم است، برخلاف کسی که از عوامل رافع مسئولیت بهره‌مند می‌باشد، مورد اقدامات تأمینی هم قرار نمی‌گیرد زیرا عملی که انجام داده، جرم نبوده و حالت خطرناک هم ندارد اما مطابق حقوق کیفری ایران و مصر، شخصی که در حالت جنون، مرتکب جرم گردیده مسئولیت کیفری ندارد، ولی به علت حالت خطرناکی که دارد به یک آسایشگاه روانی، جایی که دور از جامعه باشد، سپرده می‌شود تا تحت اقدامات تأمینی، قرار بگیرد. (زراعت، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ نجیب حسنی، ۲۰۰۶، ص ۵۴۴) علاوه بر این، مطابق قوانین موضوعه ایران و مصر،

عوامل رافع مسئولیت کیفری، مانع مسئولیت مدنی شخص نیز نیستند. (زراعت، همان؛ شاذلی، ۱۹۱۷، ص ۳۰۵)

به نظر می‌رسد با توجه به تقسیم‌بندی عوامل رافع مسئولیت به دو گروه تام و نسبی، بر این اساس که، گاهی مانع تحقق مسئولیت و گاهی مانع مجازات می‌گردند، می‌توان از مجموع آن‌ها تحت عنوان، موانع مسئولیت یاد کرد.

۳. ماهیت انواع علل نسبی رافع مسئولیت کیفری

علل نسبی رافع مسئولیت بر اساس حقوق کیفری ایران و مصر، عبارت‌اند از: اشتباه، حرکات ناشی از اختلالات خواب و خوابگردی و بیهوشی، مستی غیرارادی و اضطرار.

۳-۱. ماهیت اشتباه

از جمله شروط تحقق اهلیت جزایی، قصد است و از مهم‌ترین مواردی که ناشی از فقدان قصد می‌باشد، اشتباه است، اشتباه از ریشه «شَبَه» در لغت، به معنی مانند شدن (دهخدا، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۱۷۵۴)، شک و بدگمانی، التباس درست به نادرست و واقع به موهوم، آمده است. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲؛ اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۴۳) جهل نیز، به معنای عدم علم و ندانستن می‌باشد که اعتقاد نقیض، جهل مرکب و عدم اعتقاد، جهل بسیط نامیده می‌شود. (ابن نجیم، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۰۳) به عبارت دیگر، زمانی که حقیقت و واقعیت یک شیء را درک نمی‌کنیم، یا اصلاً تصویری درباره آن نداریم، چنین حالتی را جهل می‌نامند و یا اینکه، تصور غلطی از آن داریم، که این حالت را نیز، اشتباه گویند. (گارو، ۱۳۴۳، ص ۳۲۶) وجه اشتراک جهل و اشتباه به لحاظ مفهومی این است که هر دو از مقولات ذهنی متهم بوده و بر واقع انطباق ندارند، البته جهل تنها با اشتباهات ذهنی مرتکب، اعم از موضوعی و حکمی تعامل دارد و با اشتباهات غیر ذهنی همانند اشتباه و خطا در نشانه‌روی ناشی از عدم مهارت یا نقص در ابزار مورد استفاده مرتکب هیچ رابطه‌ای ندارد. باید دانست که جهل مرکب، هم از مصادیق اشتباه است (آقائی نیا؛ زهروی، ۱۳۸۸، ص ۶) بدین ترتیب روشن می‌گردد که دامنه اشتباه، گسترده‌تر از دامنه جهل بسیط است.

۱-۱-۳. جایگاه و قلمرو اشتباه در حقوق ایران و مصر و دلایل نسبی

بودن رافعیّت آن

معمولاً اشتباه انسان از ناآگاهی و جهل او به امور واقع، مایه گرفته و ناشی از بی‌دقتی و بی‌مبالاتی و عدم توجه کامل به امور، می‌باشد. در مفهوم حقوقی، اشتباه به‌طور کلی، تصور خلافی است که آدمی از موضوعی پیدا کرده و با این تصور، رفتاری مرتکب شود که او را متعهد و یا ملزم سازد. (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۸۴) در یک تقسیم‌بندی، اشتباه یا «حکمی» است و یا «موضوعی». در فقه حنفی نیز که مبنای حقوق مصر به حساب می‌آید، همین دسته‌بندی دوگانه وجود داشته و به اشتباه حکمی، «شبهه در محل» و به اشتباه موضوعی، «شبهه‌ی اشتباه یا شبه در فعل»، اطلاق گردیده است. (مرغینانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۴) اشتباه حکمی، یعنی جهل انسان نسبت به حکم شارع و مقنن. (ساک، پیشین، ص ۲۵۵) اشتباه موضوعی نیز، تصور خلاف واقع نسبت به تشخیص ماهیت فعل مجرمانه یا عناصر تشکیل‌دهنده جرم، یا نتایج حاصل از آن است که منجر به تغییر ماهیت جرم و زوال نسبی مسئولیت جزایی یا تخفیف مجازات می‌گردد. (زراعت، پیشین، ج ۱، ص ۱۸۴-۱۸۵)

از جمله عوامل نسبی رافع مسئولیت کیفری، اشتباه حکمی ناشی از جهل قصوری مرتکب جرم می‌باشد که در اثر قوه قاهره، حاصل‌شده و معلول ناتوانی شخص از دسترسی به قانون است. بر همین اساس، قانون‌گذار، برای نخستین بار در ماده ۱۵۵ ق.م.ا، مصوب ۱۳۹۲، به‌طور صریح، به احکام و آثار اشتباه حکمی، پرداخته و چنین بیان می‌نماید که: «جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست، مگر اینکه، تحصیل علم، عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم، شرعاً عذر محسوب شود.» حقوق‌دانان مصری نیز ضمن مفروض دانستن علم به حکم (نجیب حسنی، ۲۰۰۶، ص ۵۴۲)، بر مانعیت عدم امکان تحصیل علم در اثر عروض قوه قاهره مانند جنگ و اشغال نظامی یا زلزله و طوفان و غیره، اذعان دارند. (مصطفی محمد، ۲۰۱۰، ص ۳۹۸؛ حفناوی، ۱۹۸۶، ص ۳۶۲)

شایان ذکر است که مراد از عدم امکان تحصیل علم در ماده فوق، همان جاهل قاصر بودن است و عادتاً به معنای مطلق بودن آن است یعنی به هیچ‌وجه دسترسی به قوانین مقدور نباشد ولی چنانچه دسترسی، امکان داشته ولی مشکل

باشد، قابل توجیه نیست. پس، ملاک اصلی در پذیرش یا عدم پذیرش اشتباه حکمی ناشی از جهل به قانون، در قصوری یا تقصیری بودن جهل منجر به آن است. (محقق داماد، پیشین، ج ۴، ص ۵۷)

شایان ذکر است که به لحاظ مبنایی، اصل برائت مأخوذ از آیه ۱۵ سوره اِسرائ (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۳۹) به انضمام حدیث رفع (صدوق، بی تا، ص ۴۱۷) و نیز قاعده درء (غلامی، پیشین، ص ۲۱۴)، اسناد شرعی رفع مسئولیت کیفری از جاهل به احکام، اعلام شده و در مقابل، قاعده اشتراک احکام بین جاهل و عالم، مسلمان و کافر (محمدی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۰۶) و نصوص دال بر وجوب یادگیری احکام (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۷۹) مستندات ثبوت مسئولیت کیفری بر جاهل به احکام، تلقی شده است. اما باتوجه به دلایل و مستندات معذوریت و عدم معذوریت جاهل که کاملاً متعارض هم هستند به نظر می‌رسد که براساس قاعده «الجمع مهمما امکن اولی من الطرح» جمع عرفی بین دو دلیل بهتر از کنارگذاشتن آن‌ها باشد. بنابراین با عنایت به این که دسته اول از ادله و مستندات فقهی (ادله برائت، قاعده درء)، عام و مطلق بوده و شامل جهل موضوعی و حکمی و قصوری و تقصیری می‌شود و دسته دوم از ادله و مستندات فقهی (قاعده اشتراک احکام میان عالم و جاهل، قاعده وجوب تعلم احکام) نیز به طور کلی جاهل را مسئول اعمال مجرمانه خود دانسته است؛ می‌توان دسته اول از ادله را مقید به دسته دوم نمود، در نتیجه افراد جاهل مقصر، از حکم ادله دسته اول خارج و مسئولیت کیفری آن‌ها به قوت خود باقی می‌ماند و فقط جهل افراد جاهل قاصر بر مسئولیت کیفری آن‌ها تأثیر داشته و منجر به عدم مجازات آن‌ها می‌گردد. از این رو، قاعده‌ی «جهل، رافع مسئولیت کیفری نیست، مگر این که جهل قصوری باشد» از دیدگاه فقه اسلامی ثابت می‌شود.

بر اساس حقوق کیفری مصر، اصولاً در جهل به قانون یا تفسیر آن به دلیل وجود قصد، عذر شخص پذیرفته نیست مگر اینکه استثنائاتی وجود داشته باشد، ولی در جهل به موضوع مبنای قصد به دلیل سخن خداوند متعال که «پروردگارا اگر ما فراموش کردیم یا خطا نمودیم ما را مؤاخذه نکن» (بقره، ۲۸۶) و «حدیث رفع از رسول خدا (ص)»، نفی شده و عذر شخص، مورد قبول می‌باشد. بنابراین، این یک

قاعده عام در شریعت بوده که هیچ استثنایی نمی‌پذیرد هر چند فقها، ادعای جهل به حکم را از سوی کسی که تازه مسلمان شده یا در صحرا و بیابان و به‌دوراز مردم زندگی می‌کند قبول دارند، ولی این درواقع استثنا نیست بلکه مطابق باقاعده اصلی است که از مؤاخذه جاهل به حکم، جلوگیری می‌کند تا وقتی که علم به آن حاصل شود. (عوده، پیشین، ص ۴۳۰)

از منظر اثر، باید اذعان داشت که قانون‌گذار ایران در کتاب اول قانون مجازات اسلامی، نسبت به اشتباه و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری ساکت است، اما در کتاب‌های دوم (حدود)، سوم (قصاص) و پنجم (تعزیرات)، در مواد گوناگون، اشتباه حکمی و موضوعی را موردعنایت قرار داده و آن را مؤثر بر مسئولیت کیفری دانسته است.

مطابق ماده ۲۱۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم و قصد و شرایط مسئولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.» منظور از واژه «علم» مقرر در ماده فوق، علم به موضوع و منظور از «آگاهی به حرمت شرعی رفتار ارتكابی» در ذیل ماده، علم به حکم است که به ترتیب در مقابل «جهل موضوعی» و «جهل حکمی» قرار می‌گیرد. (بخشی‌زاده اهری، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴) مطابق ماده فوق، در جرائم حدی، علم به حرمت شرعی یا همان، علم به حکم، از شرایط تحقق مسئولیت است و در صورت عدم آن، مسئولیت، متوجه مرتکب نخواهد بود. ماده ۲۱۸ قانون فوق نیز، چنین مقرر می‌دارد که «در جرائم موجب حد، هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتكاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته‌شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود.»

بنابراین در صورت ساقط شدن حد باوجود شبهه، حکم مسئله نسبت به چگونگی شبهه و نوع جرم، متفاوت می‌باشد، به این صورت که گاهی ممکن است به‌طور کلی هر نوع مجازاتی ساقط شده و حتی آثار عمل حلال بر آن بار شود، گاهی نیز، مجازات حد به تعزیر تبدیل می‌شود؛ مثلاً، اگر کسی متهم به زنا باشد و شبهه موضوعیه برای وی حاصل شده باشد، هر چند اصل عمل به طریق شرعی ثابت شده

باشد؛ ولی اگر مرتکب در این مورد تقصیری نداشته باشد، هیچ مجازاتی بر او تحمیل نمی‌شود. در همین مورد اگر به جای شبهه موضوعیه، در کیفیت اثبات زنا نسبت به زن و مرد نامحرمی که صرفاً در یک بستر دیده شده‌اند، شبهه حاصل شود، به دلیل وجود شبهه، حد ساقط می‌شود؛ اما ممکن است عنوان جرم عوض شده، به جای مجازات حد زنا، تحت عناوینی چون مضاجعه و روابط نامشروع تعزیر شوند. (محقق داماد، پیشین، ص ۷۷) از این رو، در شبهه موضوعی، مرتکب جرم - تنها در صورت فقدان تقصیر - هیچگونه مجازاتی نداشته و حد ساقط می‌گردد در حالیکه در شبهه حکمی، عنوان جرم، تغییر کرده و تعزیر جایگزین آن می‌گردد.

در محدوده جرائم تعزیری، قانون‌گذار اشاره مستقیمی به اشتباه ننموده و در مواد بخش کلیات نیز برخلاف قانون مجازات اسلامی، ماده‌ای را به اشتباه اختصاص نداده است، ولی در مواد ۵۸ و ۱۵۹ قانون مجازات به بیان تأثیر اشتباه در عملکرد قاضی و آمر و مأمور قانونی پرداخت نموده است. برای نمونه، ماده ۱۵۹ ق.م.ا، مصوب ۱۳۹۲، در این رابطه مقرر می‌دارد: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور، به مجازات مقرر در قانون، محکوم می‌شوند، لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است». نکته قابل توجه اینکه، هرچند در تعزیرات، ماده قانونی مشخصی در مورد پذیرش اشتباه وجود ندارد، اما همچنان که قبلاً بیان گردید قاعده درء به دلیل عمومیت به جرائم تعزیری نیز تسری پیدا می‌کند بنابراین استناد به اشتباه در منع مسئولیت کیفری مرتکب تعزیرات نیز، می‌تواند قابل قبول باشد. (غلامی، پیشین، ص ۲۲۳)

۳-۲. ماهیت حالت ضرورت یا اضطرار و دلایل نسبی بودن رافعیات آن

اضطرار، مصدر باب افتعال از ماده (ضرّ) به فتح یا ضم ضاد می‌باشد که در صورت فتح، متضاد با نفع بوده و به معنای زیان دیدگی است و در صورت ضم نیز، به لحاظ لغوی به معنای احتیاج پیدا کردن به چیزی، ناچاری، بی‌اختیاری و بدحالی می‌باشد. (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۷) در لسان العرب، اضطرار اسم مصدر از ضرورت، شناخته شده و منظور از ضرورت، حالتی است که انسان را مضطر می‌سازد.

(ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۴۶) برخی از فقهای حنفی، اضطرار را بر دو نوع می‌دانند: یک نوع آن که سبب داخلی یا سماوی دارد مثل، گرسنگی، نوع دوم که ناشی از سبب غیر خارجی است، اضطرار غیر سماوی، گفته می‌شود که به نوبه خود، شامل دو نوع می‌باشد یا در اثر اکراه تام و ملجی حاصل می‌شود و یا ناقص و غیرملجی. (امین افندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۱)

در مورد ماهیت ضرورت یا اضطرار بین حقوق دانان، اختلاف نظر وجود دارد. اغلب بابیان اینکه، اضطرار از عوامل شخصی رافع مسئولیت کیفری است در حالی که ضرورت ناشی از خطر عوامل بیرونی و محیطی بوده و از عوامل موجهه جرم شناخته می‌شود، بین ضرورت و اضطرار قائل به تفاوت شده‌اند. (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵) اما اکثر حقوق دانان به دلیل عدم وجود تفاوت بین آثار خطر حاصل از ضرورت و اضطرار، تفکیک بین این دو را ضروری ندانسته و چنین بیان می‌نمایند که اضطرار در زبان حقوقی با لغت ضرورت یا حالت ضرورت که برگردان فرانسوی این کلمه است، مترادف بوده به نحوی که هر دو از ریشه ضرر و به یک معنی می‌باشند. بنابراین اضطرار به معنای عام کلمه، حالتی است که انسان خود را در تنگنایی بیابد و برای رهایی از آن ناچار به اقدام عملی گردد، مانند اقدام پدر بیکار و گرسنه به سرقت غذا، جهت نجات جان خود و فرزندان از گرسنگی. (اردبیلی، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۵)

در کل، منظور از اضطرار در حقوق جزا، وضعیتی است که شخص بازاده و اختیار، جهت دفع خطر شدید علیه خود یا دیگری، مرتکب جرم می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه در حالت اضطرار، مرتکب جرم، فاقد اراده نیست، از این جهت با اجبار متفاوت می‌باشد و با توجه به اینکه، شخص، جرم را نه علیه یک فرد مهاجم، بلکه علیه یک شخص بی‌گناه مرتکب می‌شود، با دفاع مشروع فرق دارد. (میر محمدصادقی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۳) در حقوق کیفری مصر که از اضطرار بیشتر به نام حالت ضرورت یاد شده، منظور این است که شخص در چنان شرایط و موقعیت تهدیدآمیزی قرار می‌گیرد که جهت خروج از آن و برای اینکه خودش یا دیگری را از هلاکت نجات دهد، مرتکب عمل حرام و جرم، بر اموال یا جان مردم می‌شود؛ (فتحی بهنسی، ۱۴۰۴، ص ۲۶۲) مانند شخصی که از شدت تشنگی و گرسنگی، در معرض تلف شدن قرار گیرد و جهت نجات جان خود از هلاکت یا برطرف کردن تشنگی،

اقدام به سرقت نماید. (عوده، پیشین، ج ۱، ص ۵۷۷) بر این اساس، ضرورت و اضطرار در حقوق کیفری ایران و مصر، از نظر ماهیت یکسان بوده و شخص مضطر با اراده و اختیار خود جهت خروج از شرایط و موقعیت تهدیدآمیز، مرتکب عمل حرام غیرقانونی می‌گردد.

در شرح بیشتر ماهیت اضطرار از منظر حقوق جزا باید گفت، عده‌ای از محققان آنرا جزو علل موجهه دانسته و دلایل خود را چنین بیان می‌نمایند؛ الف) دلیل اول، سخن خداوند متعال می‌باشد که فرمودند، «... و قد فصل لکم ما حرّم علیکم الا ما اضطررتم الیه»^۱ آنچه را که خدا بر شما حرام کرده، به تفصیل بیان شده، مگر در صورتی که ناچار شوید. استثناء موجود در آیه، دلالت بر آن دارد که گزاره‌های مذکور، در حالت اختیار، حرام و در حالت اضطرار، مباح می‌باشند و این یعنی اباحه اصل عمل و قرار گرفتن اضطرار در میان علل موجهه یا اباحه جرم. ب) دلیل دوم، قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» که به قاعده ضرورت، مشهور است و همچنین عبارت «ما من شیء الا و قد احله الله للمضطر»، حاکی از آن است که آنچه حرام و ممنوع بوده به واسطه عروض اضطرار، مجاز و مباح می‌شود و بحثی از رفع مسئولیت در این عبارات نیست. (ر.ک: غلامی، پیشین، ص ۱۷۰) ج) دلیل سوم، برخی فقها در مورد اضطرار، نه تنها قائل به اباحه، بلکه قائل به وجوب انجام حرام در حالت اضطرار هستند؛ مثلاً، صاحب جواهر (ره) در این مورد، اعتقاد دارد که خوردن مردار برای حفظ نفس، واجب بوده و در صورت خوف تلف جان، امتناع مضطر از محرمات، جهت پاکیزه ماندن، جایز نیست، زیرا چنین عملی، منتهی به هلاکت جان خویش، به دست خود است. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۶، ص ۴۳۲)

گروهی نیز اضطرار را به لحاظ ماهیت، جزو عوامل رافع مسئولیت کیفری، محسوب داشته و دلایلی برای اثبات نظر خویش ارائه نموده‌اند: الف) دلیل اول گروه فوق، این است که، مسئول ندانستن مضطر در جنایت بر اموال و مباحث مدنی، خلاف قاعده «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» می‌باشد و در اینجا فرقی نمی‌کند که مرتکب رفتاری که باعث تلف شده، تقصیر کرده باشد یا خیر و در هر حال ضامن خسارت ناشی از فعل خویش است و این با علت موجهه بودن اضطرار قابل جمع

نیست. ب) دلیل دوم اینکه، تحریم اشیاء حرام، به واسطه خبث و ضرری است که در آنها وجود دارد و این طور نیست که در حالت اضطرار، صفات مزبور از بین رفته و اشیاء حرام، مباح گردیده باشند و لذا تا علت حکم باقی است، خود حکم نیز به قوتش باقی است و احتساب اضطرار به عنوان علت اباحه یا موجهه جرم، قابل پذیرش نیست. (محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱-۱۴۲) از دیدگاه برخی از گروه اخیر، اضطرار از جمله علل نسبی به شمار آمده است (بهری، خان‌دآور، پیشین، ص ۲۹۳) بنابراین هرگاه شخص مضطر، جهت حفظ جان خود یا حفظ حق و مال دیگری، ناگزیر از ارتکاب جرم گردد و یا اینکه بین ارتکاب جرم و تحمل زیان حاصل از آن که ارزشی همسان با جرم دارد، قرار گیرد، بی‌اعتنایی به حقوق و منافع غیر، در صورتی جایز است که نفع شخصی در نظر جامعه، پرارزش‌تر از نفع غیر بوده و یا اینکه حفظ حق و مال دیگری، دارای ارزش اجتماعی باشد در هر حال با وجود ارتکاب جرم، چون جامعه در عین حال که متضرر شده به همان نسبت منتفع گردیده است، از این جهت نفعی در مجازات مجرم مضطر ندارد. (بهری، پیشین، ص ۳۲۸-۳۲۹)

در این میان، دکتر غلامی، استدلال‌ات هر دو گروه را، قابل خدشه دانسته و معتقدند استدلال اول قائلان به علت موجهه بودن اضطرار، کامل نیست، زیرا در آیه شریفه ۱۷۳ سوره مبارکه بقره، پس از بیان جواز استفاده مضطر از محرّمات، می‌گوید: «ان الله غفور رحیم» و علامه طباطبایی (ره) در ذیل این آیه، قید غفور و رحیم را حاکی از آن می‌داند که نهی و حرمت، همچنان باقی است و اذن شارع از باب تخفیف و رخصت است. یا در استدلال سوم، می‌توان گفت که در هنگام بروز تزامم، باید مطابق قاعده اهم و مهم عمل کرد و طبیعتاً مهم را فدای اهم کرد و ممکن است گاهی این مهم یک فعل حرام باشد که به خاطر امر مهم‌تری، ارتکابش واجب می‌شود و این به معنای خروج آن فعل از حرمت نمی‌باشد. در پاسخ به استدلال اول قائلان به علت رافع بودن اضطرار نیز، همان بحث تزامم بین اهم (حفظ جان) و مهم (شکستن در خانه)، را مطرح کرده اند. بنابراین باید گفت، اضطرار از میان ویژگی‌های علل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت، حائز ویژگی‌هایی از هر دو گروه می‌باشد و از جهاتی به هر دودسته، شباهت دارد، اما اگر اعتقاد به عوامل مانع و نه رافع مسئولیت پذیرفته شود، آنگاه منع مسئولیت مضطر

تا حدود زیادی، وجه اشتراک نظرات خواهد بود و با توجه به اجماع فقها و حقوق دانان بر بقاء مسئولیت مدنی مضطر، می توان گفت، نظر به محوریت بحث مسئولیت در این موضوع و بقاء مسئولیت مدنی مضطر، برخلاف سایر علل موجهه جرم، اضطراب قرابت بیشتری با عوامل مانع مسئولیت کیفری دارد تا علل موجهه جرم. (غلامی، پیشین، ص ۱۷۲) به نظر می رسد که قانون گذار می تواند با اطلاق عنوان موانع مسئولیت کیفری به عواملی چون اشتباه و خواب و بیهوشی و اضطراب و... مانع از بروز چنین اختلافاتی گردد.

۳-۲-۱. دلایل نسبی بودن رافعیات اضطراب در حقوق موضوعه

طبق ماده ۱۵۲ قانون مجازات ایران: «هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع از قبیل آتش سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.» ماده ۶۱ قانون مجازات مصر نیز در این زمینه مقرر می دارد: «هرگاه شخصی، مرتکب جرمی شود که ارتکاب آن به حکم ضرورت برای جلوگیری از خطر مهمی بر نفس خود یا دیگری بوده و او آن خطر را ایجاد نکرده و نیز قدرت بر جلوگیری و دفع آن هم به طریق دیگری ممکن نباشد، مرتکب چنین جرمی، مجازات نخواهد شد.»

با عنایت به مواد فوق، هرگاه شخص در اثر آتش سوزی یا زلزله، مضطر به خروج از منزل به صورت لخت گردد، در قبال این رسوایی، مجازات نمی شود همچنین هرگاه شخص با دیگری سوار بر قایقی است که در معرض غرق شدن می باشد در این صورت برای نجات جان خود از غرق شدن، دیگری را در آب انداخته و منجر به مرگ وی شود در قبال این عمل خود که قتل عمد می باشد، مجازات نمی گردد. بنابراین، برای اینکه اضطراب مانع از مسئولیت شخص گردد، وجود دو شرط ضروری است و لزوم ثبوت این دو شرط، خود، دلیلی است بر نسبی بودن رافعیات آن. از بین این دو شرط، شرط اول مربوط به خطری است که شخص را تهدید می کند، و شرط دوم مربوط به عملی است که شخص جهت دور کردن خطر

از خود انجام می‌دهد. (مصطفی محمد، ۲۰۱۰، ص ۳۸۶)

بر این پایه، ویژگی‌های خطر اضطراری عبارتند از این که:

الف) مطابق قانون مجازات مصر و برخلاف ماده ۱۵۲ قانون مجازات ایران، خطر باید جانی باشد نه مالی و مربوط به دارایی‌های شخص. منظور از خطر جانی، خطری است که سلامتی، آزادی، آبرو و شرف و اعتبار خود شخص یا دیگری را تهدید نماید، مثل، خطر غرق شدن یا آسیبی که در اثر آتش‌سوزی یا زلزله یا سیل و طوفان، به جان، وارد شده و سلامتی را به خطر می‌اندازد.

ب) مطابق مفاد دو ماده فوق، خطر باید شدید و غیرقابل جبران باشد تا دفع آن با جنایت اضطراری، ضرورت پیدا کند. هرچند تعیین اینکه در چه صورتی خطر، شدید است، مشکل می‌باشد، باین حال، می‌توان گفت خطر شدید آن است که سبب ورود صدمه و آسیب غیرقابل جبران شده و زندگی یا سلامتی شخص را تهدید نماید و اثرات نامطلوب آن بسیار فراتر از توانایی فردی باشد که در معرض آن قرار گرفته، به نحوی که هیچ‌گونه نقشی در ایجاد خطر نداشته است.

ج) برای ایجاد حالت ضرورت و جلوگیری از مسئولیت شخص مضطر، لازم است خطر فعلی و قریب‌الوقوع بوده و خطر «واقعی»، شرط نیست بلکه صرفاً در ذهن شخص و در صورت تصور، ایجاد می‌گردد از این رو، دادگاه حق دارد بر اساس شرایط متهم و حادثه رخ داده، اقدام به بررسی خطر کرده و مشخص نماید که خطر، فعلی بوده یا مربوط به آینده.

د) عدم اراده مضطر در ایجاد خطر عارض شده، البته در صورت ایجاد خطر از روی اهمال و سهل‌انگاری و در نتیجه خطای غیرعمدی نیز استناد به حالت ضرورت امکان‌پذیر می‌باشد؛ مانند سهل‌انگاری راننده اتومبیل در روشن کردن سیگار و انداختن آن در جایگاه سوخت‌گیری.

حال باید افزود، توجیهاتی که حقوق‌دانان مسلمان و غیرمسلمان از رفع مسئولیت در حالت اضطرار به عمل آورده‌اند، نشان از عقلانی بودن مسئله است، ایشان رفع مسئولیت در اثر اضطرار را با تکیه بر جهاتی همچون اجبار معنوی، نفع اجتماعی، عدم سوءنیت، لزوم همبستگی و تعاون اجتماعی و بالاخره تعارض منافع، توجیه کرده‌اند. که خود توجیه و تحلیل عقلی بوده و اصولاً قاعده «الضرورات تبیح

المحظورات» مفاد یک حکم عقلی است؛ گرچه این عبارت در منابع فقهی موجود نیست. (محقق داماد، پیشین، ص ۱۳۷) طبق ماده ۵۱۰ قانون مجازات ایران، «هرگاه شخص با انگیزه احسان و کمک به دیگری، رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است انجام دهد و همان عمل موجب صدمه یا خسارت شود، در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی ضامن نخواهد بود.»

از بررسی متون فقهی نیز، چنین استنباط می‌شود که به عقیده فقها، از جمله دلایل عدم مسئولیت مضطر و جبران خسارت وارده، محسن بودن وی است و ریشه‌هایی از احسان در کار او به چشم می‌خورد. احسان مفهومی حقوقی و حسن‌نیت از جمله عناصر تشکیل دهنده آن می‌باشد و مجرای عملکرد حسن‌نیت در رفع مسئولیت و ضمان، ناشی از احسان می‌باشد، بنابراین حسن‌نیت آن است که گاهی عملی مجرمانه به تصور مفید بودن و با نیت خیرخواهی و به اصطلاح فقها، «احسان» انجام می‌شود، مثلاً دارویی به بیمار داده می‌شود که شفا یابد ولی در اثر آن، جان خود را از دست می‌دهد، در فقه از آن، تحت عنوان «قاعده احسان» یاد کرده‌اند که از قرآن مجید گرفته شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۲۵۶)

با عنایت به مطالب ذکر شده، چنین به دست می‌آید که حسن‌نیت، در اغلب عوامل رافع مسئولیت و علل موجهه جرم، عنصر تعیین‌کننده بوده و می‌توان رگه‌هایی از آن را مشاهده نمود. از این رو، می‌توان آن را به عنوان وجه مشترک بین غالب علل نسبی رافع مسئولیت و علل موجهه جرم، قرار داد و سبب اصلی رفع مسئولیت کیفری از بزهکار جاهل و مضطر و مشتبه و مدافع و ... دانست. مثلاً، قاضی با صدور حکم اشتباه، نسبت به مالکیت مالی و یا قصاص شخصی، در صورت عدم تقصیر، به دلیل محسن بودن، ضامن نمی‌باشد. (نجفی، پیشین، ج ۴۰، ص ۷۹) ایرادی که می‌شود به قانون‌گذار مصر گرفت این است که چرا در ماده ۶۱ قانون مجازات، اضطرار را مختص خطرات جانی نموده و آن را اعم از جان و مال قرار نداده است؟ در حالی که جنایت اضطراری ارتکاب یافته بر اموال را نیز می‌توان بر اساس قاعده احسان و حسن‌نیت، توجیه نمود.

در رابطه با اثر اضطرار در رفع نسبی مسئولیت کیفری، گفتنی است که حکم حالت ضرورت بسته به جرائم مختلف، متفاوت می‌باشد، الف) جرائمی که حالت ضرورت

در آن‌ها هیچ‌گونه تأثیری نداشته و بر اساس قاعده عقلی قبح ترجیح بلامرجح برای شخص مضطر جایز نیست به هر نحوی برای نجات خویش از هلاکت، دیگری را بکشد یا مجروح کند یا عضوی از او را قطع نماید. (ب) جرائمی که به دلیل وجود نص شرعی، در صورت ضرورت، مباح می‌شوند و خاص خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها می‌باشند، مثل اکل میت و گوشت خوک و شرب خون و نجاسات که شرع انجام اعمال فوق را به‌قدر ضرورت، کافی می‌داند. (ج) جرائمی که علی‌رغم حرمت ذاتی عمل، در صورت اضطرار به انجام آن‌ها، شخص معاف از مجازات می‌گردد، مثل سرقت شخص گرسنه و تشنه، انداختن وسایل اضافی قایق در آب، جهت حفظ آن از غرق شدن. شرط معاف شدن از مجازات در جرائم فوق، به این صورت می‌باشد که مضطر عمل حرام را به‌اندازه رفع ضرورت، مرتکب شود. (عوده، پیشین، ج ۱، ص ۵۷۸-۵۸۰) از دیدگاه دکتر نجیب حسنی حقوق‌دان مصری، جنایت ارتكابی در حالت اضطرار، فقط موجب پرداخت غرامت و مقدار آن به تشخیص قاضی واگذار شده است. (نجیب حسنی، پیشین، ص ۳۱۷)

۳-۳. ماهیت خواب و بیهوشی و دلایل نسبی بودن رافعیت آن

خواب جزو عوامل ناقصه مسئولیت کیفری است. در مورد ماهیت خواب، تعریف دقیقی نمی‌توان ارائه کرد، زیرا ماهیت خواب، هنوز یکی از پیچیدگی‌های زندگی بشر است که در اثر آن، اراده انسان مخدوش می‌شود اما در یک تعریف ساده، «خواب حالتی در انسان می‌باشد که هوشیاری به‌طور موقت از او زایل می‌گردد.» در مواقعی شخص به‌طور غیرعادی در خواب، اقدام به کارهایی مثل راه رفتن، آب خوردن و... می‌نماید که این حالت‌ها کاملاً ناخودآگاه بوده و شخص اختیاری در انجام آن‌ها ندارد، به این حالت، خواب‌گردی طبیعی می‌گویند. (ساک، پیشین، ص ۲۳۹-۲۴۰) خواب مصنوعی یا هیپنوتیزم نیز، قدرتی است که در اثر استعداد خاص، نیروی مرموز، آموزش‌های ویژه و... در بعضی افراد وجود دارد و با استفاده از آن و تحت تلقین، دیگری را به خواب فرومی‌برند. در این حالت فرد به خواب‌رفته، همچون ابزاری در دست خواب‌کننده است و به دستور و فرمان وی، به هر کاری حتی خودکشی ممکن است دست بزند. (غلامی، پیشین، ص ۲۳۸-۲۳۹)

بیهوشی که معادل عربی آن «اغماء» می‌باشد، ناظر به فقدان قصد، بوده و به آفتی گفته می‌شود که قوای مدرکه آدمی را از کار می‌اندازد. (عبدالرحمن، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۲) بیهوشی می‌تواند ارادی یا غیرارادی باشد که طبعاً در بیهوشی غیرارادی، آگاهی و تقصیر یا قصد مجرمانه شخص بی‌هوش، مطرح نمی‌باشد. اگر شخص دیگری سبب بیهوشی شده و عمداً موجب ارتکاب جرم توسط شخص بی‌هوش شود، شخص بی‌هوش کننده و سبب جرم، برای جرم ارتكابی، مسئولیت کیفری خواهد داشت. (سلیمی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱)

مقنن ایران، تنها در ماده ۱۵۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، به مسئله ارتکاب جرم در حال خواب پرداخته و مقرر می‌دارد: «هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آن‌ها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، مجازات نمی‌گردد، مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بی‌هوش کند.» در ماده فوق، مقنن، حرکات طبیعی در خواب و یا حرکات ناشی از اختلالات خواب و خوابگردی، سخن و گفتار مجرمانه را در صورتی که مادی، واقعی، محسوس، عینی و خارجی باشد، به‌عنوان رکن مادی جرم به‌صورت ضمنی قبول نموده است. استثنای ذیل ماده فوق که مقرر می‌دارد، «مگر این که شخص با علم به این که در حال خواب یا بی‌هوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بی‌هوش کند»، در حکم ارتکاب جرم عمدی است؛ همچنان که در تبصره ماده ۲۹۲ به این امر تصریح شده است. (مصدق، پیشین، ص ۲۹۴) از این رو، ارتکاب جرم، چه در خواب طبیعی و چه در خواب تلقینی، به دلیل سلب اراده در برابر نیرویی قوی، به بعضی از حالت‌های اجبار شباهت دارد. انسان به هنگام خواب، درک و شعور ندارد و حرکات او در خواب در اختیار او نیست. پس اگر در خواب، رفتاری از او سر بزند که بر طبق قانون جرم باشد و یا بر اثر حرکت و غلتیدن، جنایتی به دیگری وارد کند، به دلیل اینکه نمی‌توان شخص را نسبت به این رفتارها آگاه دانست، مسئولیتی متوجه او نیست. (اردبیلی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۵) بنابراین چنانچه شخص با علم به ارتکاب جرم در حال خواب یا بیهوشی، عمداً بخوابد و یا خود را بی‌هوش نماید، مسئول نتیجه مجرمانه رفتار خویش می‌باشد، از این رو، برابر مواد قانون مجازات جرائم نیروهای

مسلح، کسانی که هنگام انجام وظیفه نگهبانی، موجبات خواب خود را فراهم کرده باشند، مستوجب مجازات می‌باشند ولی خواب غیرارادی از موجبات معافیت از مجازات است. (گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۸۹) در قانون مجازات مصر، قانون‌گذار نسبت به خواب، ساکت می‌باشد اما می‌توان از قید «سایر بیماری‌های عارض بر عقل» موجود در ماده ۶۲، رفع مسئولیت کیفری نسبت به بیهوشی و حالاتی مانند آنرا برداشت نمود. چون مراد از آن، هر عارضه یا نقص عقلی است که فرد را از درک طبیعت رفتارهایش، عاجز کرده و اراده و ادراک او را مختل می‌سازد. (مصطفی محمد، ۲۰۱۰، ص ۳۶۹)

نکته شایان توجه اینکه، در جرائم غیر عمدی نیز باید مصادیق خطا وجود داشته باشد تا بتوان مرتکب را مجازات کرد، خطا نیز به هنگام خواب و بیهوشی مگر در شرایط خاصی قابل تصور نیست. به عنوان مثال، اگر شخصی که می‌داند شب هنگام از خواب برخاسته و راه می‌رود احتیاط‌های لازم را انجام ندهد و جرمی اتفاق افتد، به عنوان مسئول اعمال خود، قابل تعقیب خواهد بود. (نوربها، پیشین، ص ۳۲۰) مطابق بند «پ» ماده ۲۹۱ ق.م.ا، جدید، «هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد، جنایت شبه عمدی محسوب می‌شود.» و تقصیر هم مطابق تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا، اعم است از بی احتیاطی و بی‌مبالاتی و به لحاظ اثر، در جنایات شبه عمدی نیز دیه بر عهده خود جانی است.

هرگاه خطا به مباشرت خود شخص و بدون هیچ گونه واسطه‌ای صورت پذیرد، مانند اینکه شخص خواب در اثر غلتیدن خود بر روی کودک، سبب مرگ وی شود در این صورت چنین فرض می‌شود که جانی دچار تقصیر شده بنابراین معاف از مجازات نمی‌گردد مگر اینکه ثابت گردد دچار حالت اضطراری شده است. (عوده، پیشین، ج ۱، ص ۴۳۵) از این رو، بنابر حقوق کیفری مصر نیز غلتیدن و حرکت شخص در حالت خواب و افتادن بر روی شخصی، در صورت فقدان قصد مجرمانه، خطا محسوب شده و موجب اعمال مجازات می‌گردد، مگر اینکه شخص، ثابت کند که مضطر بوده است.

۳-۴. ماهیت مستی و شرایط رفع نسبی مسئولیت کیفری از مست

مستی حالتی است که در اثر آن عقل از کار می افتد برخلاف جنون که شخص، فاقد عقل می باشد. (فتحی بهنسی، پیشین، ص ۲۲۵) در حالت کلی، شخص مست به دلیل اینکه با میل و رضایت، از خود، سلب اختیار می نماید، بر اساس قاعده «الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار» (حسینی شیرازی، ۱۴۱۳، ص ۲۲۲) مسئولیت کیفری دارد. مستی از جمله عوامل نسبی رافع مسئولیت می باشد که شخص فقط در صورت فقدان شعور ناشی از مسلوب الاراده بودن، معاف از مجازات می گردد. ماده ۶۲ قانون مجازات مصر، بایبان این مطلب که «بر کسی که در زمان ارتکاب فعل مادی جرم، فاقد شعور و اختیار باشد، مجازاتی نیست، این فقدان شعور و اراده، ممکن است ... ناشی از مواد مخدر از هر نوع باشد، اعم از این که این مواد را به اجبار به او داده باشند یا بدون علم به مخدر بودن آن، استعمال کرده باشد.» از مسئولیت شخص مست، در صورت غیراختیاری بودن، جلوگیری می نماید.

در حقوق موضوعه ایران، علی الاصول مستی، رافع مسئولیت کیفری نیست. در این مورد ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی، مقرر می دارد که: «مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان گردان و نظایر آن ها، مانع مجازات نیست، مگر این که ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی، مسلوب الاختیار بوده است، لکن چنان چه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می شود.» از مفهوم مخالف این ماده می توان چنین برداشت نمود که در موارد خاصی، مستی ممکن است رافع مسئولیت کیفری باشد یعنی در شرایط: الف) فقدان قدرت ادراک و اراده. ب) غیر عمدی بودن شرب خمر. ج) همزمانی مستی و ارتکاب جرم. توضیح بیشتر اینکه، مستی در صورتی رافع مسئولیت کیفری است که همزمان با وقوع جرم، وجود داشته باشد و علاوه بر شرط همزمانی مستی و وقوع جرم، باید بین مستی و بی ارادگی نیز، رابطه سببیت وجود داشته باشد یعنی، سبب وقوع جرم باشد، رابطه سببیت برای تحقق جرم لازم است اما برای رفع مسئولیت لازم نیست پس هرگاه ثابت شد که متهم در هنگام عدم هوشیاری، مرتکب جرم شده است، مسئولیت ندارد حتی اگر عدم هوشیاری سبب

ارتکاب جرم نباشد. (زراعت، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۵ و ۲۴۲) پس، بر اساس ماده ۱۵۴ قانون مجازات جدید، چنین برداشت می‌گردد که در صورت غیر عمدی بودن مستی و فقدان ادراک و اراده شخص همزمان با ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری زائل خواهد گردید. ولی باید توجه داشت که مسئولیت مدنی به قوت خود باقی است؛ همان‌گونه که در سایر عوامل رافع مسئولیت کیفری دوام و بقای مسئولیت مدنی پابرجاست. با وجود این، قانون‌گذار در خصوص ابقاء مسئولیت مدنی شخص مست، حکم صریحی ندارد. (آقای جنت‌مکان، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۰) در حقوق کیفری مصر نیز، شخص مست هر چند به دلیل مستی و فقدان ادراک، معاف از مجازات می‌گردد ولی مسئولیت مدنی از شخص مست برداشته نمی‌شود چون طبق قاعده احترام، جان و مال اشخاص، محترم بوده و عذر شرعی مثل فقدان ادراک، عملی که گناه می‌باشد -یعنی آسیب به دیگری- را مباح نمی‌سازد. (عوده، پیشین، ج ۱، ص ۵۸۴) باتوجه به مطالبی که بیان گردید براساس مواد قانونی ۶۲ و ۱۵۴ قانون مجازات ایران و مصر، روشن گردید که شخص تنها در صورت فراهم بودن شرایطی چون، غیر عمدی بودن مستی، فقدان ادراک و اراده همزمان با ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری نخواهد داشت و این خود دلیل نسبی بودن رافعیست مستی نسبت به مسئولیت کیفری است.

از لحاظ اثر، باید توجه داشت که مطابق ماده ۳۰۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، «ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و مانند آن‌ها، موجب قصاص است مگر این که ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب‌الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.» باید افزود که در جرائم رانندگی به خاطر حساسیت مسئله و برای منع افراد مست از رانندگی، مستی، موجب تشدید مجازات تلقی شده است. در حقوق کیفری مصر نیز جنایت بر نفس یا عضو توسط فرد مست، خطا به حساب آمده و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات، جنایت بر نفس، موجب حبس بین یک تا پنج سال و پرداخت غرامت بین صد تا پانصد جنیه یا یکی از این دو نوع مجازات، می‌شود و جنایت بر عضو نیز بر اساس ماده ۲۴۴ قانون فوق، موجب حبس تا دو سال و پرداخت غرامت تا سیصد جنیه یا یکی از این دو نوع مجازات، می‌شود.

برآمد

۱- علل و عواملی که علی‌رغم وقوع جرم از ناحیه مجرم، مانع از مسئولیت وی می‌گردند، علل رافع مسئولیت کیفری نامیده می‌شوند که به دودسته تام و نسبی تقسیم می‌شوند و در حقوق کیفری مصر تحت عنوان «موانع مسئولیت کیفری و اسباب رفع عقاب» از آن‌ها یاد می‌شود. حالاتی ویژه و استثنایی در شخص که تنها در صورت ارتکاب جرم در حالت مذکور، به دلیل صفت خاص عارض شده، فاقد مسئولیت کیفری است، علل نسبی و رفع مسئولیت بصورت مطلق و بدون قید و شرط، مثل کودکی، جنون، اجبار، اکراه، علل تام رافع مسئولیت نامیده می‌شود. عوامل نسبی رافع مسئولیت در حقوق کیفری ایران و مصر، عبارت‌اند از، اشتباه، حرکات ناشی از اختلالات خواب و خوابگردی و بیهوشی، مستی، اضطراب، ارتکاب عمل مجرمانه با انگیزه شرافتمندانه اجتماعی، انسانی و اخلاقی، حسن نیت نامیده می‌شود که عنصر تشکیل‌دهنده غالب علل رافع مسئولیت و اسباب موجهه جرم بوده و وجه مشترک علل فوق، محسوب می‌گردد.

۲- تصور خلاف انسان از واقع اشتباه و فقدان علم به‌واقع، جهل نامیده می‌شود. اشتباه تأثیری در جرائم غیر عمد، شبه عمد و خطایی ندارد ولی در جرائم عمدی در صورت اشتباه در هویت مجنی‌علیه و فعلی که غالباً کشنده نیست، قتل شبه عمدی و در صورت اشتباه در اصاب، خطایی خواهد بود. گرچه قانون‌گذار مصر ماده قانونی خاصی را به اشتباه حکمی اختصاص نداده است اما بر اساس مواد ۵۸ و ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی ایران، تأثیر اشتباه حتی در جرائم تعزیری نیز قابل مشهود می‌باشد.

۳- اضطراب و ضرورت از نظر ماهیت یکسان بوده و هر دو به یک معنی می‌باشند. دلیل نسبی بودن اضطراب و عدم مجازات شخص مضطر در حقوق کیفری ایران، حفظ جان یا مال خود یا دیگری با انگیزه احسان همراه با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی می‌باشد. براساس حقوق کیفری مصر نیز رافیت حالت اضطراب تنها به حفظ جان خود یا دیگری اختصاص دارد نه اینکه اعم از جان و مال باشد و همچنین، اضطراب به قتل دیگری به جهت ترجیح جان خود، مجازات در پی داشته ولی کشتن دیگری در صورت تهدید به قتل، موجب دیه خواهد بود.

از دیدگاه حقوق کیفری مصر، اضطراب به ارتکاب اعمال حرام در مواردی مثل اکل میت‌ه موجب اباحه عمل و در مواردی چون سرقت علی‌رغم حرمت عمل، مانع از مجازات می‌گردد.

۴- زوال موقت هوشیاری در انسان، خواب نامیده می‌شود و اغماء نوعی بیماری است که به دلیل تأخیر شخص در جواب دادن و ابطال عبادات در حالت فوق، فراتر از خواب می‌باشد. دلیل نسبی بودن خواب به عنوان یکی از علل رافع مسئولیت، حرکات ناشی از اختلالات خواب و خوابگردی و بیهوشی غیرارادی می‌باشد که تنها با قصد قبلی و در صورت عمدی بودن، موجب مسئولیت شخص می‌گردند. از دیدگاه فقهای امامیه و حنفیه به عنوان مبانی حقوق کیفری ایران و مصر، ارتکاب جنایت در حال خواب به دلیل غیر اختیاری بودن حرکت و غلتیدن، در حکم خطا یا جاری مجرای خطا بوده و عاقله عهده‌دار دیه می‌گردد و خود شخص کفاره می‌دهد و محروم از ارث دیه می‌گردد.

۵- زوال ادراک و اراده در اثر شرب خمر، مستی نامیده می‌شود که در حقوق کیفری ایران بر اساس قاعده فقهی الامتناع بالاخیار لاینافی الاختیار، مستی علی‌الاصول رافع مسئولیت کیفری نیست ولی در صورت غیرعمدی بودن و فقدان ادراک و اراده و همزمانی مستی با ارتکاب جرم، مسئولیت زایل خواهد شد. مطابق حقوق کیفری ایران، حکم مستی به قصد قتل، قصاص و در صورت جهل به مست‌کنندگی و فقدان قصد، دیه می‌باشد و بر مبنای حقوق مصر نیز، جنایت بر نفس موجب حبس بین یک تا پنج سال و پرداخت غرامت بین صد تا پانصد جنیه یا یکی از این دو می‌باشد و در صورتی که جنایت وارده مربوط به عضو باشد موجب حبس تا دو سال و پرداخت غرامت تا سیصد جنیه یا یکی از این دو است.

منابع

- قرآن کریم
- آقایی جنت‌مکان، حسین، *حقوق کیفری عمومی بر اساس قانون مجازات اسلامی جدید*، ج ۲، تهران، جاودانه، ۱۳۹۴.
- اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، ج ۱ و ۲، تهران، میزان، ۱۳۹۴.
- باهری، محمد، *تقریرات میرزا علی‌اکبر خان داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی*، تهران، مجد، ۱۳۹۳.
- بخشی‌زاده اهری، امین، *محتشای قانون مجازات اسلامی*، تهران، اندیشه عصر، ۱۳۹۲.
- جمعی از محققان، *فرهنگ‌نامه اصول فقه*، ج ۱، چ ۱، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام*، ج ۳، قم، مؤسسه دائرةالمعارف اسلامی، ۱۴۲۶.
- خمینی، سید روح‌الله، *تحریر الوسیله*، ج ۲، قم، دار العلم، بی‌تا.
- خامنه‌ای، سید محمد، *تقریرات درس سید محمد خامنه‌ای*، تهران، نشر تک، ۱۳۸۹.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۷، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- زراعت، عباس، *حقوق جزای عمومی ۲ و ۱*، بر اساس قانون مجازات اسلامی ۹۲، ج ۱، تهران، جاودانه، ۱۳۹۲.
- سلیمی، صادق، *چکیده حقوق جزای عمومی* (بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، تهران، جاودانه، ۱۳۹۳.
- ساکی، محمدرضا، *دوره مقدماتی حقوق جزای عمومی* (با لحاظ لایحه جدید مجازات اسلامی)، تهران، جنگل، ۱۳۸۸.
- غلامی، علی، *عوامل مانع مسئولیت کیفری*، چ ۱، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
- قرشی، سید علی‌اکبر، *قاموس قرآن*، ج ۴، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۲.

- گارو، رنه، *مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا*، ترجمه و تطبیق دکتر سید ضیاءالدین نقابت، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۳.
- گلدوزیان، ایرج، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی* (۱-۲-۳)، تهران، میزان، ۱۳۸۵.
- گلدوزیان، ایرج، *محشای قانون مجازات اسلامی*، تهران، مجد، ۱۳۹۲.
- محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه* (بخش جزایی)، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، *استفتاءات جدید*، ج ۳، قم، مدرسه امام علی ع، ۱۴۲۷.
- محمدی، علی، *شرح اصول فقه مظفر*، ج ۲، قم، دارالفکر، ۱۳۶۹.
- مصدق، محمد، *شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی*، تهران، جاودانه، ۱۳۹۲.
- میر محمدصادقی، حسین، *جرائم علیه اشخاص*، تهران، میزان، ۱۳۸۸.
- نور بهاء، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۵.
- ابن فرقد الشیبانی، ابوعبدالله محمد، *الأصل المعروف بالمبسوط*، ج ۴، پاکستان، اداره القرآن، بی تا.
- ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.
- ابن نجیم، زین العابدین، *الاشباه والنظائر*، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۰.
- ابن نجیم الحنفی، زین الدین، *البحر الرائق*، ج ۸، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- أمين أفندی، علی حیدر، *درر الحکام*، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا.
- تبریزی، جواد بن علی، *تنقیح مبانی الأحکام* (کتاب القصاص)، قم، دارالصدیقه الشهیده ع، ۱۴۲۶.
- جصاص الحنفی، احمد بن علی ابوبکر، *شرح مختصر الطحاوی*، ج ۶، بیروت، دار السراج، ۱۴۳۱.
- حفناوی، منصور محمد، *الشبهات و أثرها فی العقوبة الجنائیة فی الفقه الاسلامی مقارنا بالقانون*، مصر: مطبعة الأمانة، ۱۹۸۶.

- حنفی، ابراهیم بن ابی الیمن، **لسان الحکام**، ج ۱، قاهره، البابي الحلبي، ۱۳۹۳.
- حلی (علامه)، حسن، **تذکره الفقهاء**، ج ۸، قم، مؤسسه آل البيت ع، ۱۴۱۴.
- حلی (علامه)، حسن، **إرشاد الأذهان**، ج ۲، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰.
- حسینی شیرازی، سید محمدصادق، **الفقه، القواعد الفقهیه**، ج ۱، بیروت، مؤسسه امام رضا ع، ۱۴۱۳.
- خراسانی، محمدکاظم، **کفایة الاصول**، قم، مؤسسه آل البيت ع، ۱۴۰۹.
- راغب اصفهانی، حسین، مفردات ألفاظ قرآن، لبنان، دار العلم، ۱۴۱۲.
- زبیدی الحنفی، ابوبکر بن علی، **الجوهرة النيرة**، بی جا، ۱۳۲۲.
- سرخسی، شمس‌الدین أبوبکر، **المبسوط**، ج ۲۶، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱.
- شاذلی، حسن علی، **الجنایات فی الفقه الإسلامی دراسة مقارنة بین الفقه الإسلامی و القانون**، مصر: دار الكتاب الجامعی، ۱۹۱۷.
- شمس‌الدین، اشرف توفیق، **شرح قانون الإجراءات الجنائية (مرحلة ما قبل المحاكمة)**، ج ۱، مصر: جامعة بنها، بی تا.
- صدوق (شیخ)، محمدبن بابویه، **الخصال**، قم، انتشارات اسلامی، بی تا.
- طوسی (شیخ)، ابوجعفر محمد، **المبسوط فی فقه الإمامیة**، ج ۷، تهران، المكتبة الجعفریة، ۱۳۸۷.
- عبدالرحمن، محمود، **معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه**، ج ۱، قاهره، دارالفضیله، بی تا.
- عوده، عبدالقادر، **التشريع الجنائي الإسلامی مقارناً بالقانون الوضعی**، ج ۱، بیروت، دارالکاتب العربی، بی تا.
- فتحی بهنسی، احمد، **المسؤولیة الجنائية فی الفقه الإسلامی**، بیروت، دارالشروق، ۱۴۰۴.
- فیروزآبادی، مجدالدین یعقوب، **القاموس المحيط**، ج ۲، بیروت، دارالجليل، بی تا.
- قدوری، ابوالحسن احمد، **مختصر القدوری**، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸.
- کاسانی الحنفی، علاءالدین، **بدائع الصنائع**، ج ۷، بیروت، دار الکاتب العلمیة، ۱۴۰۶.

- مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین، *منهاج المؤمنین*، ج ۲، چ ۱، قم، کتابخانه مرعشی (ره)، ۱۴۰۶.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، *شرایع الاسلام*، ج ۴، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- مرغینانی، علی بن أبی بکر، *الهدایة*، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ملاخسرو، محمد بن فرامرز، *درر الحکام*، ج ۲، بیروت، دار إحياء الكتب العربیة، بی تا.
- موسوی بجنوردی، میرزا حسن، *القواعد الفقهیه*، ج ۲، تهران، دلیل ما، ۱۳۸۹.
- مصطفی محمد، امین، *قانون العقوبات القسم العام نظریة الجریمة*، چ ۱، بیروت، منشورات الحلبي، ۲۰۱۰.
- نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، ج ۳۶، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷.
- نجیب حُسنی، محمود، *التشريع الجنائي الاسلامی*، قاهره، بی نا، ۲۰۰۶.